

مردم ایران از دشمنان داخلی باید بیمناک باشند یا دشمنان خارجی؟

کامبیز باسطوت

11/13/2011

[info@iranpolitics.org](mailto:info@iranpolitics.org)

مبارزه طلبی های حکومت جمهوری اسلامی درخاوره میانه و جهان که هدف آشکار و اولیه آن دموکراسی های غربی با آزادی های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی است که هنجار انسانی اسلامی او را تهدید میکند در تلاش جمهوری اسلامی برای بدست آوردن بمب اتمی متبلور شده است و یکبار دیگر زرمه های حمله نظامی به تاسیسات اتمی رژیم حزب الله را براه انداخته است. اینکه آمریکا با رئیس جمهور چپ گرای پر طرفدارش در هالیوود شهامت حمله نظامی به تاسیسات هسته ای حکومت حزب الله را داشته باشد جای تردید زیادی است چون دولت رئیس جمهور اوباما حتی از تحریم بانک مرکزی ایران که پیش از این معین شده بود اعلان انصراف کرده است. اما در هر حال اسرائیل جدول زمانی خود را دارد و بظر نمیرسد حاضر باشد این فرصت را به حزب الله فقاهتی و قصاصی بدهد که آنرا با بمب اتمی تهدید کند؛ باوجود اینکه باخطر تراکم جمعیت یهودی و مسلمان در فلسطین و اطرافش در صورت بکار رفتن بمب اتمی در فلسطین بیشتر مسلمان ها را خواهد کشت تا یهودی ها را و البته این مانع بکاربردن بمب اتمی توسط حزب الله نخواهد شد. اینکه این گزارش ها برای حمله به تاسیسات اتمی حزب الله واقعی باشد جای تردید است و بنابر تجربه گذشته طولانی تهدیدی است برای پیش در آمد گزارش گروه بازرسان اتمی سازمان ملل متحد و دست بالا دادن به غربی است، دستی که سالهاست حکومت حزب الله در ایران آنرا از پیش خوانده است. در هر صورت اگر حمله نظامی به ایران بشود محدود به تاسیسات هسته ای و نظامی بویژه پایگاه های سپاه و بسیج خواهد بود. در این حمله نظامی چنانچه اتفاق بیافتد مسلماً هیچ حرفی از تغییر رژیم نیست و رژیم جمهوری اسلامی تهدید به نابودی نمیشود اما مسلماً کوبیده و تضعیف خواهد شد.

به همراه بالا گرفتن گزارش های احتمال حمله نظامی به تاسیسات اتمی حزب الله اعلان مواضع در میان مخالفان لفظی و کرداری جمهوری اسلامی نیز بالا گرفته است. گروهی که مخالف حمله نظامی به تاسیسات اتمی رژیم حزب الله و در نتیجه تضعیف رژیم اسلامی هستند طیف گسترده ای را تشکیل میدهند که کم و بیش متحدین پیشین خمینیست ها در انقلاب 57 را تشکیل میدادند و بیشتر آنها شخصاً در آن اتحاد شرکت کرده اند که نه تنها از شرکت کردن در آن اتحاد شرمند نیستند بلکه به آن افتخار هم میکنند و معتقد هستند که خمینیست ها انقلاب را از آنها دزیده اند و در مبارزه با جمهوری اسلامی دنبال مال دزدیده خود هستند. این گروه شامل کمونیست ها، جبهه ملی ها و اصلاح طلبان اسلامی میشوند و متحد جدید آنها بخشی از پادشاهی خواهان هستند. این گروه در دو بیانیه گروهی و یکی با امضای دیگر بدون امضای و همچنین انفرادی بطورکلی حمله نظامی به تاسیسات اتمی حزب الله را حمله به ایران و مردم ایران میبینند و معتقدند چنین حمله ای ساختار زیربنای ایران را ویران میکند و مردم ایران را قتل عام خواهد کرد. به تعبیر این گروه که قهرمان آن معروفترین زندانی سیاسی اصلاح طلب اسلامی و دریافت کننده جوایز زیادی به همراه پول از نهادهای غربی جناب اکبر گنجی است که هرگونه حمله نظامی به تاسیسات اتمی حزب الله را محکوم میکند. و نتیجه آنرا افزایش دیکتاتوری فقاهتی و قصاصی و از بین بردن شانس اصلاحات و افزایش خشونت و احتمالاً قتل عام زندانیان سیاسی مانند پایان جنگ ایران و عراق ذکر میکنند. این گروه خود را معتقد به دموکراسی، حقوق بشر و مخالف جمهوری اسلامی معرفی میکنند و تدبیر آن برای پایان دادن به رژیم جنایت پیشه و متجاوز جمهوری اسلامی گذار صلح آمیز و بدون خشونت است و اعتنائی به میزان اتکا و ایمان حزب الله به خشونت ندارد. این برخورد با جمهوری اسلامی در حالی است که هزاران نفر از مردم ایران هر روز در زندان های حزب الهه شکنجه و به آنها تجاوز میشود و مردم ایران در خوف و با وحشت روزمره سپاه پاسداران و نیروهای بسیج روبرو هستند.

متحدین خمینیست ها در انقلاب 57 و یا دشمنان متعهد غرب که غرب را امپریالیست مینامند معتقدان خشونت پرهیز و دموکرات و طرفدار حقوق بشر و ضد جنگ جمهوری اسلامی وحشت دارند که مردم ایران مانند کشورهای عربی بکمک غرب جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و آزادی خود را باز یابند و دنبال آن شعارهای ضد غربی و مرگ بر آمریکا را بگور بسپارند و شعار دهندگان مرگ بر آمریکا و غرب را دشمنان آشکار خود ببینند. این گروه مخالفان لفظی جمهوری اسلامی که بیشتر آنها ساکنان و شهروندان کشورهای غربی و آمریکا هستند، و از تمام مزایای آزادی سیاسی و اجتماعی و آزادی های بخش خصوصی آن برخوردار هستند، و از تمام این مزایا حد اکثر استفاده را میکنند، مانند جناب گنجی و بیشتر امضای کنندگان بیانیه مخالفت با حمله نظامی احتمالی به تاسیسات اتمی حزب الله، معین نیست چرا آنها نمیخواهند اندکی از آن مزایایی که آنها با در غرب زندگی کردن از آن برخوردارند مردم ایران از آن برخوردار شوند و تنها راه رسیدن به این برخورداری را ترک ایران میدانند. برنامه سیاسی که این گروه به مردم ایران توصیه میکنند تحمل تمام شکنجه ها و تجاوزات روزانه حزب الله به حقوق انسانی خود و پرهیز از رفتار خشونت آمیز به حزب الله است.

آنها مردم ایران را به سراب شکل گرفتن رهبری سیاسی در داخل ایران برای مبارزه مدنی و گذار از جمهوری اسلامی امید میدهند و مسئولیت خود را پشتیبانی از چنین رهبری خیالی معرفی میکنند. این متحدین پیشین خمینیست ها با هرگونه سازمان بندی سیاسی در خارج مبارزه میکنند تا مبدا رهبری سیاسی خیالی آنها بر ضد جمهوری اسلامی آسیب ببیند. این مبارزان لفظی دشمن رژیم حزب الله با سیاست های ویژه ای که انتخاب میکنند کرداری را در پیش میگردند که تداوم رژیم اسلامی را تضمین میکند. این گروه با هر خطری که ایرانیان مبارز خارج و یا کشورهای خارجی مورد تهدید جمهوری اسلامی که میتوانند رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون و یا تضعیف کنند بشدت مبارزه میکنند. این گروه تمام مبارزه خود را برای تداوم رژیم اسلامی در ایران زیر نام دموکراسی و حقوق بشر انجام میدهد.

آنچه مسلم است جمهوری اسلامی سرانجام در خاور میانه جنگ دیگری را مانند جنگ با عراق آغاز خواهد کرد و تنها علتی که هنوز آنرا شروع نکرده دست نیافتن به بمب اتمی است. رهبران حکومت اسلامی تحقیری را که در جنگ با عراق کشیدند هنوز فراموش نکرده اند و این بار میخواهند با پشتوانه بمب اتمی دست به جنگ دیگری بزنند. هدف های نظامی حکومت اسلامی که اسرائیل، آمریکا و غرب باشند به اهداف حکومت اسلامی کاملاً واقف اند و نمیتوانند این اشتباه مرگبار را بکنند و اجازه دهند رژیم اسلامی مسلح به بمب اتمی بشود. رژیم اسلامی شباهت قابل توجه ای به رژیم فاشیست هیتلری بین سال های 1932-39 دارد. تاریخ و رزان معتمدند چنانچه در آن سالها هیتلر سرکوب شده بود جنگ جهانی دوم با 40 میلیون کشته هرگز اتفاق نمی افتاد، از این دیدگاه سرکوب حکومت اسلامی جان میلیون ها ایرانی و غیره ایرانی را حفظ خواهد کرد. به احتمال زیاد چنانچه حمله نظامی بشود به تاسیسات اتمی حزب الله و پایگاه های پاسداران و بسیج خواهد بود و رژیم حزب الله بجا خواهد ماند. ادامه و بالا گرفتن جنگ بستگی به واکنش جمهوری اسلامی دارد و در صورتیکه رژیم دست به واکنش بزند حمله های نظامی بیشتری به خاک ایران خواهد شد. در این معادله سرانجام رژیم اسلامی متلاشی خواهد شد و مردم ایران از چنگال این رژیم سفاک آزاد خواهند شد. در هر صورت ما میتوانیم انتظار داشته باشیم رژیم خود بزرگ بین و دچار هذیان مذهبی گور خود را بدست خود بکند و در این مورد متحدین پیشین خمینیست ها با مراقبت کردن از جمهوری اسلامی در مقابل دشمنان خارجی آن به بدنامی تاریخی 57 خود یکی دیگر را میافزایند.

32 سال تفتیش عقاید مذهبی و استبداد اسلامی و مراقبین غیر مذهبی آنها چشم های مردمان زیادی را باز کرده است. ایرانیان زیادی پی برده اند دشمنان واقعی نه خارجی بلکه داخلی هستند. در حال حاضر ما ملاحظه میکنیم که دیگر مراقبین جمهوری اسلامی گفتمان سیاسی را اداره نمیکند آنچنانکه در انقلاب 57 کردند و مردم ایران را در اختیار رژیم اختناق و شکنجه حزب الله قرار دادند. کوشندگان سیاسی زیادی در سپهر سیاسی ایران نمایان شده اند که تمام ابزارهای سیاسی مخالفان لفظی حکومت اسلامی و مراقبین کرداری را از دست آنها خارج کرده اند. کوشندگان و مبارزان واقعی ضد جمهوری اسلامی به سازمان بندی سیاسی ایرانیان خارج اعتقاد دارند و آنرا تشویق میکنند. از ایجاد یک رهبری سیاسی سکولار دموکرات که سزاوار رهبری جنبش ضد جمهوری اسلامی باشد استقبال میکنند. مردم ایران دشمنان رفاه و آسایش خود را کشورهای غربی که به میلیون ها نفر از ایرانیان پناه داده اند نمیدانند بلکه نیروهای ارتجاعی مذهبی و متحدین ضد غربی و یا امپریالیستی آنها را دشمن مردم ایران میدانند. کسانی که زیر پوشش مخالفت با حمله نظامی از شکنجه گران و متجاوزان به حقوق مردم ایران یعنی بسیج و سپاه مراقبت میکنند مبدا که این نیروهای حافظ حزب الله آنچنان تضعیف شوند که مردم ایران بتوانند آنها سرنگون کنند. مردم ایران این خوشبختی را دارند که رژیم اسلامی با غرب در حال جنگ است و از آنجا که بدون شک سرانجام این جنگ شکست حزب الله است، میدانند که این یک فرصت طلایی برای سرنگونی و آزادی مردم است و بدون تردید از آن استقبال خواهند کرد. ما در خارج شاهد چنین صدائی مانند مقاله هائی در استقبال از حمله نظامی به بسیج و سپاه که پاسداران تاسیسات اتمی حزب الله هستند هستیم مانند مقاله جناب علی میرفطروس که اشاره میکند که تنها برای مدیریت بد رژیم صدها هزار ایرانی از هوای بد شهرها و حوادث رانندگی کشته میشوند. دیگر نویسندگان از تحقیر و سرکوفت نظامی حکومت اسلامی استقبال میکنند و مراقبین بقای حزب الله را که کوش هایشان را بسته اند به بازکردن چشمانشان دعوت میکنند.

مراقبین و همدستان غیر مذهبی و اصلاح طلبان رژیم اسلامی از موفقیت های مردم مصر، تونس، و لیبی برای سرنگونی دیکتاتورهای خود به وحشت افتاده اند که مبدا مردم ایران هم بکمک غرب رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند. اینها همانطور که دموکراسی موجود در عراق را نادیده میگیرند و به روی تلفات انسانی آن تاکید میکنند بدون اینکه بیان کنند چه کسانی مسئول این کشته ها هستند که بیشتر القاعده و جمهوری اسلامی است، بروی کشته های مثلاً لیبی تاکید میکنند نه آزادی بدست آمده و احتمال ریشه کردن دموکراسی در لیبی. این مراقبین رژیم جمهوری اسلامی تاکید به خرابی های جنگ و ویرانی ساختار های زیر بنائی کشور میکنند، در حالیکه ما در این 32 سال رژیم استبدادی و متجاوز به حقوق مردم شاهد بوده ایم که چگونه دست آوردهای صنعتی پیش از انقلاب اسلامی اول درزیده شد و بعد نابود شد. دوام رژیم اسلامی که نه تنها مردم ایران را به بردگی کشیده است بلکه به

ویرانی اقتصادی و صنعتی ایران بیشتر از جنگ منجر شده است و ادامه خواهد یافت. ایران پیش از انقلاب اسلامی روزانه تا هفت میلیون بشکه نفت تولید میکرد درحالیکه این تولید در حال حاضر به کمتر از چهار میلیون بشکه رسیده است و ناظران صنعت نفت ایران معتقدند صنایع نفت فرسوده ایران ظرفیت تولید خود را از این هم بیشتر از دست خواهد داد. بنابراین ادامه رژیم حزب الله بیشتر از حمله نظامی به تاسیسات اتمی و پایگاه های پاسداران و بسیج آسیب خواهد رساند که امکان سرنگونی رژیم را بشدت بالا میبرد.

برای مبارزان آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در ایران پرسش این نیست که بر ضد و یا به نفع حمله نظامی به تاسیسات اتمی حزب الله موضع خود را اعلان کنند چون در هر صورت بازیگران این بازی کسان دیگری هستند. پرسش برای مبارزان آزادی این است که چگونه میتوانند از بحران نظامی که جمهوری اسلامی دچار آن شده است بهره جویند و رژیم اسلامی را سرنگون و مردم ایران را آزاد کنند و دموکراسی و حقوق بشر را در ایران برقرار کنند.